

۱- «علی الحجّاج أن یطوفوا فی مکه سبع مرّات حول بیت الله لتقام بفرائض حجّهم قیاماً تامّاً»:

- ۱) برای این که حاجیان به واجبات حج خود به طور کامل بپردازند باید هفت مرتبه در مکه به دور خانه خدا بچرخند.
- ۲) حاجیان در مکه هفت مرتبه دور خانه خدا باید طواف کنند تا واجبات حج آنها به طور کامل انجام شود!
- ۳) برای این که حجّاج در مکه هفت بار دور خانه خدا طواف کنند باید کاملاً واجبات حجّ خود را انجام دهند!
- ۴) حجّاج باید هفت مرتبه پیرامون خانه خدا طواف کنند و برای فریضه حج خود به طور کامل باید به پا خیزند!

۲- «كنت أحسُّ أن إنشاد قصيدة عمل سهل ولكن صعبَ علیّ هذا الأمر عندما بدأتُه!»:

- ۱) خیال می کردم که سرودن قصیده کار آسانی باشد ولی وقتی آن را شروع کردم، کارم سخت شد!
- ۲) احساس می کردم که شعر گفتن کار آسانی باشد ولی با شروع این کار، برایم خیلی دشوار به نظر رسید!
- ۳) احساس کرده بودم که سرودن شعر کار آسانی است اما وقتی آن را شروع کردم این کار برایم سخت شد!
- ۴) احساس می کردم که سرودن یک قصیده کار آسانی است ولی وقتی آن را شروع کردم، این کار برایم دشوار شد!

۳- «هذا الرجل التقی من ذریّة خیر العباد بینما أنکرته!»:

- ۱) این مرد باتقوایی که تو او را ناشناخته می شماری از خانواده بندگان برتر است!
- ۲) این مرد، پرهیزگار و از نسل بندگان شایسته است که تو، او را ناشناخته می شماری!
- ۳) این مرد پارسا از دودمان بهترین بندگان است در حالی که تو او را ناشناخته شمردی!
- ۴) این مرد شایسته از فرزندان برترین بندگان است که تو او را ناشناخته شمردی!

۴- «مقاتلونا الشُّجعان یندفعون إلى ساحة القتال حتی یدافعوا عن وطننا دفاعاً رائعاً!»:

- ۱) جنگجویان ما که دلاور هستند به سمت میدان های بیکار رهسپار می شوند و از میهنمان جانانه دفاع می کنند!
- ۲) جنگجویان دلاور ما به میدان نبرد رهسپار می شوند تا از میهنمان جانانه دفاع کنند!
- ۳) رزمندگان ما به میدان های نبرد رهسپار می شدند تا همچون دلاوران از وطنمان دفاع کنند!
- ۴) رزمندگان و دلاوران ما به سمت میدان جنگ می روند تا از کشورمان دفاع جانانه ای نمایند!

۵- عین الصّحیح:

- ۱) اصبروا صبراً جمیلاً فی الشّدائد و توکلوا علی ربکم! در سختی ها به زیبایی صبر کنید و بر پروردگارتان توکل نمایید!
- ۲) یهلک من لیس له حکیم یتسّیء بنور علمه فی أهمّ الأمور! هر کس خردمندی نداشته باشد تا از نور دانشش در مهم ترین کارها استفاده کند، هلاک می شود!
- ۳) العاقل یکتفی بما لده من المال اکتفاءً لأنّ القناعة کنز لا ینتهی! عاقل به آن چه از مال دارد، کفایت می کند؛ زیرا قناعت، گنجی تمام نشدنی است!
- ۴) من لم یؤدّبهُ الوالدان صغیراً یؤدّبهُ الزمن: اگر پدر و مادر، خردسالی را ادب نکنند، زمانه به او ادب می آموزد!

۶- عین الخطأ:

- ۱) کانت لی جدّة حنون تقیّم صلاة اللیل إقامةً کثیرة! مادربزرگ مهربان من نماز شب بسیاری را بر پای می داشت!
- ۲) اصبر علی المتاعب لأنّ فیها خیراً کثیراً! در برابر سختیها شکیبا باش، زیرا در آنها خیر فراوانی هست!
- ۳) أحرص علی مصاحبة أصدقائی المحسنین حرصاً! حتماً به همنشینی با دوستان نیکوکارم مشتاق هستم!
- ۴) عاش أبونا الشّهِید فی کلّ حیاته عیشة العارفین: پدر شهیدمان در سراسر زندگانی خود عارفانه زیست!

۷- «ای فرزندان من، شما باید در کارهایتان بسیار تلاش کنید!»:

- ۱) ابنائی! حاولوا فی أمورکم محاولةً کثیراً! یا اولادی! علیکم أن تجتهدوا فی أعمالکم اجتهاداً بالغاً!
- ۲) یا بناتی! يجب علیکم الاجتهاد فی الأمور الکثیرة! یا اولاد! إسعوا فی أعمالکم الکثیرة سعياً!

٨- عَيِّنِ الخَطَأَ فِي المَفْهُومِ:

- (١) الخير في ما وقع! هر چه بيش آيد، خوش آيد!
- (٢) الشاهد يرى ما لا يرى الغائب! از دل برود هر آن كه از ديده برفت!
- (٣) الظاهر عنوان الباطن! رنگ زردم را ببين، احوال زارم را ميرس!
- (٤) الكلام يَجْرُ الكلام: حرف، حرف مي آورد!

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ بِمَا يَناسِبُ النَّصَّ:

من النَّاسِ مَنْ ظَنَّ أَنَّ الرَّاحَةَ معناها الانغماس في الكسل و الاتكء على كرسى مُريح أو نحو ذلك! و لو كان كذلك لما فرَّ الناس إلى العمل! إنما الرَّاحة التَّغيير من حال إلى حال لا من عمل إلى عمل. صعبٌ على الإنسان الحياة الثابتة، إنها تُميت القلب! فإنَّ كثيراً من شُرور هذا العالم سببه الملل الَّذي هو نتيجة الاجتناب عن مواجهة حالة جديدة. فلهذا نشاهد أنَّ علماء التربية يُؤكِّدون على أنَّ القلب أيضاً يملُّ كالجسم، فدواؤه حينئذ هو التَّجديد و التَّغيير!

٩- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي مَعْنَى «الانغماس»:

- (١) العيش و الحياة (٢) الاجتناب و الامتناع (٣) الدخول و الغرق (٤) الثبات و الاستقامة

١٠- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: «للحصول على حياة سعيدة.....».

- (١) لنحاول أن لا تفكر بالماضي و الحال، بل بالمستقبل!
- (٢) نحن بحاجة إلى طرق جديدة لمسائلنا!
- (٣) يلزم علينا أن لا نخاف من الخمول!
- (٤) نعتبر بالطبيعة فإنها تتجدد بتجدد الإنسان!

١١- ماذا تستنتج من العبارة التالية؟ «صعب على الإنسان الحياة الثابتة!»

- (١) على الإنسان أن يغيّر عمله و مكان عيشه بعد كل مدة!
- (٢) لكلّ جديدة لذة، فعلياً أن نغيّر ما لدينا دائماً!
- (٣) التَّغيير يجب أن يكون في فروع الحياة لا أصولها!
- (٤) من عاش بقيم ثابتة و أصول معيَّنة فهو مذموم!

١٢- عَيِّنِ مَا لَيْسَ مَقْصُوداً! مِنَ النَّصِّ:

- (١) الراكد يفتى و الجارى يبقى!
- (٢) المُجدد يجد في جدّه لذة قلماً يجدها الخامل!
- (٣) و في البؤس تظهر الجواهر!
- (٤) بالإبداع يُعتبر المرء!

١٣- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي قِراءَةِ الكَلِمَاتِ فِي العبارة التالية:

«نشاهد أنَّ علماء التربية يُؤكِّدون على أنَّ القلب أيضاً يملُّ كالجسم!»

- (١) يُؤكِّدون، القلب، الجسم (٢) التَّربية، يُؤكِّدون، الجسم (٣) نُشاهدُ، عُلماءُ، الجسم (٤) عُلماءُ، التَّربية، القلب

* عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

١٤- «يُؤكِّدون»:

- (١) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - معلوم / فعل و فاعله ضمير الواو البارز
- (٢) مزيد ثلاثي - لازم / فعل و نائب فاعله ضمير الواو البارز و الجملة فعلية
- (٣) فعل مضارع - مجهول / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب و فاعله ضمير الواو، و الجملة فعلية
- (٤) للغائبين - معلوم / فعل و فاعله «العُلماء» و الجملة فعلية

١٥- «التَّغيير»:

- (١) مفرد مذكر - مشتق / نعت أو صفة و مرفوع بالتَّبعية عن منعوته «الرَّاحة»
- (٢) جامد و مصدر - معرفّ بأل / خبر و مرفوع
- (٣) اسم - مفرد - مصدر من باب تفعيل - معرفّ بأل / صفة و مرفوع بالتَّبعية
- (٤) جامد - معرفّ بأل / مبتدأ مؤخر و مرفوع

١٦- عَيِّن ما لَيْسَ فِيهِ المَفْعُول المَطْلُوقَ لِلنَّوْعِ:

- (١) «أذْكروا الله ذكراً كثيراً»
(٢) البرُّ أن تعملَ في السرِّ عملَ العائِية.
(٣) يُحاسب الإنسانُ يومَ القيامةِ محاسبة.
(٤) «يا أيُّها الذِّينَ آمَنُوا اتَّقُوا و قُولُوا سَدِيداً»

١٧- عَيِّن ما فِيهِ اِهْتِمَامٌ وَعِنايَةٌ عَلى «وَقوْعِ الفِعْلى» فَقَطْ:

- (١) اتَّخَذَ عَزْماً راسِخاً و اعلمَ أنَّ من أراد و سعى، نجا من الفتنَةِ!
(٢) لا يَغفلُ الخالقُ عَن إِطعامِ المَخْلُوقِ، و إنما هو الَّذى يَغفلُ عَن الخالقِ غَفْلَةً شَدِيدَةً!
(٣) من عرفَ نَفْسَهُ و رَبَّهُ حَقّاً، لا يَعتَمِدُ بِما عِنْدَهُ عارِيةً!
(٤) إنَّ الَّذى خَلَقَ خَلْقاً عَظِيماً، يَفْتَنُهُم بِالْبَلِيَّاتِ و المَصائبِ حَتَّى يَعرِفُوا أَنفُسَهُمْ!
١٨- اِملاً الفِراغِ بِما يَناسبُ المَفْعُولَ المَطْلُوقَ النَوْعِ: «..... قَوْمى إِلى الجَدِّ الأملين!»

- (١) أدعو - داعياً (٢) دعوت - دعوة (٣) دعا - مدعو (٤) دعت - الدعوة

١٩- عَيِّن عِبارَةً لَيْسَ فِيها المَفْعُولَ المَطْلُوقَ:

- (١) المحسن لا يُبطلُ إِحسانَهُ بالَمَنِّ و الأذَى!
(٢) كنت أستمع إلى محاضرة الأستاذة استماعاً!
(٣) أنظروا إلى الظواهر الطبيعية نظراً دقيقاً!
(٤) ليستغفر المذنب ربّه استغفاراً خالصاً حتّى يُغفر!
٢٠- عَيِّن ما فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ:

- (١) لا نستسلم أمام الظالمين استسلام الضعفاء!
(٢) ابتمس الوالد لأولاده إبتساماً فخرَجَ مِنَ البَيْتِ!
(٣) لا تُصدِّقْ كُلَّ ما تسمعُ تصديقاً سريعاً!
(٤) كلامك الحقّ أثر على قلوبنا تأثير غير أسلوب حياتنا!

٢١- عَيِّن الخَطَأَ فى تَشْكِيلِ الكَلِماتِ الَّتى تَحْتها خَطٌّ:

- (١) الأبطال كانوا يهاجمون العدو مهاجمةً!
(٢) نحن قدّمنا شهباً أعزاً فى الحرب تقدماً المتوكّلين!
(٣) السيّدات قاتلت جنود الأعداء قتالاً!
(٤) استغفر الله فى ليالى شهر رمضان استغفاراً الصالحين!

٢٢- عَيِّن الخَطَأَ فى قِراءَةِ الكَلِماتِ المَحْدَدَةِ:

- (١) لا تتركوا أصدقاءكم بسبب زلة أو عيب فيهم!
(٢) بالإكثار فى استخدام الأسمدة الكيماوية تتعرض الطبيعة للخطر!
(٣) قرّر المزارع السّماح للبومات بدخول مزرعته!
(٤) إنّ الخبير اقترح على الفلاح أن يراقب الأمر مراقبةً شديدة!

٢٣- عَيِّن ما فِيهِ المَفْعُولَ المَطْلُوقَ أَكْثَرَ:

- (١) حاسب النَّاسَ حسابَ من يُداريهم مداراةً حسنةً و ربّى من لا يخفى عليه شيء خفاءً!
(٢) اتَّبِعْ ما يُعْجِبُكَ و لا تُعَسِّرْ عَلى نَفْسِكَ تَعْسيراً!
(٣) خير عملٍ تعمله هو ما يدوم و إن كان قليلاً، فإنّه أبقى أثراً!
(٤) عليك أن تختبر مرارة المشاكل اختباراً كثيراً كى تذوق حلاوة النجاح ذوقاً!

٢٤- عَن الخَطَأِ لِلْفِراغِاتِ لِإِيجادِ المَفْعُولِ المَطْلُوقِ:

- (١) قرأت هذا الموضوع قبل أيام فى صحيفة عابرة!: قراءة
(٢) لا تنظر إلى صباح الدهر اليائسين!: نظر
(٣) الإنسان يدبّر أموره كما خلقه الله عاقلاً!: تدبّر
(٤) إن ربك فتح لك مبيناً: فتحاً

٢٥- عَيِّن ما جاء لِرَفْعِ الشُّكِّ عَن وَقوْعِ الفِعْلِ:

- (١) إن الله بعث الأنبياء لهداية للناس منذرين!
(٢) ربّت الأمّ أولادها على أساس التّيمم الأخلاقية تربية فهم صاروا صالحين!
(٣) ألا بذكر الله تطمئنّ قلوبكم إطمئناناً بالغاً!
(٤) كان الشّيخ يدعو قومه إلى الصّواب دعوة الأب الحنون!

پاسخنامه آزمون مفعول مطلق عربی دوازدهم

۱- گزینه (۲)

۲- گزینه (۴)

۳- گزینه (۳)

۴- گزینه (۲)

۵- گزینه (۱)

۶- گزینه (۱)

۷- گزینه (۲)

۸- گزینه (۲)

۹- گزینه (۳)

برخی مردم که گمان کرده‌اند راحتی و آسایش معنایش فرو رفتن در تنبلی و تکیه دادن به یک صندلی راحت یا مانند آن است! اگر چنین بود مردم به سمت کار کردن نمی‌رفتند! آسایش تنها تغییر از حالتی به حالت دیگر است، نه از کاری به کار دیگر! زندگی یکنواخت برای انسان دشوار است چرا که دل را می‌میراند! زیرا بسیاری از بدی‌های این دنیا دلیلش خستگی‌ای است که نتیجه دوری گزیدن از رویارویی با حالتی جدید است. از همین رو می‌بینیم که دانشمندان علوم تربیتی تأکید دارند که دل نیز مانند جسم خسته می‌شود، پس دارویش در آن هنگام نوگرایی و تغییر است! گزینه صحیح را در معنای «الانغماس: فرو رفتن» مشخص کن.

گزینه (۱): «دوری و خودداری کردن»

گزینه (۲): «زیستن و زندگی»

گزینه (۳): «داخل شدن و غرق گشتن»

گزینه (۴): «ثبات و پایداری»

چون در متن از الانغماس فی الکسل استفاده شده یعنی فرو رفتن در تنبلی، پس گزینه (۳) مناسب‌ترین مفهوم رو داره!

۱۰- گزینه (۲)

[گزینه] صحیح را برای جای خالی مشخص کن: «برای دستیابی به یک زندگی سعادتمندانه»

گزینه (۱): «بر ما واجب است که از تنبلی نترسیم!» غلطه. درستش می‌شه: بر ما واجب است که تنبل نباشیم!

گزینه (۲): «ما به راه‌های جدیدی برای مسائلمان نیازمندیم!» درسته. طبق سطر آخر متن: هو التجديد والتغيير!

گزینه (۳): «باید از طبیعت عبرت بگیریم، زیرا آن با تغییر انسان تغییر می‌یابد!» چیزی درباره طبیعت توی متن بود؟ من که یادم نمیاد!

گزینه (۴): «باید تلاش کنیم که به گذشته و حال فکر نکنیم، بلکه به آینده [فکر کنیم]!» درباره حال و گذشته و آینده هم توی متن چیزی نبود!

۱۱- گزینه (۳)

از عبارت زیر چه نتیجه‌ای می‌گیری؟ «زندگی یکنواخت برای انسان سخت است؟»

ترجمه و بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «برای هر [چیز] جدیدی لذتی وجود دارد، پس بر ماست که دائماً تغییر دهیم آن چه را که داریم.» «دائماً» که منطقی نیست.

گزینه (۲): «انسان باید کارش و محل زندگی‌اش را پس از هر مدتی تغییر دهد.» این هم منطقی نیست و از عبارت سؤال برداشت نمی‌شه!

گزینه (۳): «تغییر واجب است که در مسائل فرعی زندگی باشد، نه در مسائل اصلی آن!» این گزینه فقط با توجه به این که گزینه‌های بعدی درست

نیستند، درسته!

گزینه (۴): «هر کس با ارزش‌هایی ثابت و اصولی معین زندگی کند، او نکوهیده است.» چنی چیزی از عبارت سؤال برداشت نمی‌شه!

۱۲- گزینه (۳)

مشخص کن [گزینه‌ای] را که مقصود متن نیست:

گزینه (۱): «کوشا در کوشش خود لذتی را می‌یابد [که] تنبل آن را به ندرت می‌یابد!»

گزینه (۲): «[انسان] بی‌حرکت، نابو می‌شود و [انسان] در حرکت باقی می‌ماند!»

گزینه (۳): «و در فقر گوهرها آشکار می‌شود.»

گزینه (۴): «با ابداع و ابتکار، شخص پند می‌گیرد!»

چون در متن هیچ اشاره‌ای به فقر نشده، پس گزینه (۲) غلطه، بقیه گزینه‌ها درباره تلاش و کوشش و حرکت و تغییر و نوآوری هستند که با متن در ارتباط اند.

۱۳- گزینه (۱)

۱۴- گزینه (۱)

۱۵- گزینه (۲)

۱۶- گزینه (۳)

۱۷- گزینه (۳)

۱۸- گزینه (۲)

۱۹- گزینه (۱)

۲۰- گزینه (۲)

۲۱- گزینه (۲)

۲۲- گزینه (۲)

۲۳- گزینه (۱)

۲۴- گزینه (۳)

۲۵- گزینه (۲)

خانم فروزنی